زن شرور دو بار زندگی می‌کند

کاری از تیم :

Flaxen Guys

مترجم :

F_S_S12

ویراستار :

F_S_S12

کلینر :

Castlan_A

تایپیست :

Suyori

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guys

The Villainess Lives Twice

PEACHBERRY: دفوفی | PARK JUNGOO, KIM DAEHAE: بازنگ آلبیزی
HAN MINT: نویسنده

اسمتو که نگفتی؟

نگران نباش.
می‌دونم زندگیم به بیشگوی قلابی موندن، بندد.

بعدشم، هیچ پولی برای برگشتم اختیار روهی که بهم خورد، نگرفتم.
امکان نداره بتونیم برگردیم سر نقشه‌ی قبلی.
تا فردا قیافه‌مو یادشون می‌ره.

یقه‌مو گرفتن و به پتی هم بهم زدنن، احساسی می‌کنم ازم سوءاستفاده شده.
سرقفه
سرقفه

... پول بیشتری می‌خوای؟
پیشنهادتو رد نمی‌کنم.

بانو حتماً خدا تومن بهت داده.

انعامم مهمه.

چرا کسی که قراره به زودی ازدواج کنه، باید همچین جایی قرار بذاره!
فکر می‌کنم آخرین بار کارم خوب بود.

لمس

اگه از کارت راضی نبودم،
اخراجت می‌کردم.

شما خیلی منو می‌ترسونید.
ایطوری که بهش فکر می‌کنم...
خاراندن

دستمزد کوچیم چیز برای طبق بود تا بچرخ کاره نقصی پیوز. الان فانتومم راضی‌ام می‌تونی نقصی نگفتی.

پدری از فانتومم میخواست می‌گفت که فوتون قیمرار نگفتی.
در ازای وسط گذاشتن بهم.

ولی الان نگران شدم چه کاراین ازم می‌خواد انجام بدم...

نگران نباش، حتی اگه بجیری خانوادت تحت حمایت منن.

وای! زهرین گرمهم می‌فهمه؟

از الان برای جونم گرو گذاشتید؟

تلق
قطعاً قصد ندارم ازت جونتو بخوام.

من جوونیو می‌خوام که توجهی جلب نکنه.

باهوش، انعطاف‌پذیر و بی‌شرم باشه.

و البته که رازنگه‌دار باشه.

اکه به خاطر ظاهرم نبود. احتمالاً خودم انتخاب خوبی بودم، هر چند من خیلی خوش‌قیافه‌م...

با همه‌چیز ظاهر اعوا کردن...

جدی

اتفاقاً منظورم ظاهر خودت بود.

باید بری بین مردم، مرکز جامعه، پس یادالتت بیشتر می‌شه.

نباید آشفته بشی یا به خودت زیادی اعتماد کنی.

یادت نره هدفت نزدیک شدن به اون فرده.

ضد؟

برای جلب علاقه‌شون، و دلربوندن بودن از به دلبردی جادویی استفاده می‌کنیم.

ساختارش ساده‌س.

تقریباً پونزده ثانیه قبل از اینکه خود به خود ناپدید بشه، از خودش نور ساتع می‌کنه.

چون جادوی ساده‌ایه. لازم نیست براش آدمی قربانی بشه.

نیروی زندگی یکم خون تازه براش کافیه.

اگه معبد گیرم بندازه، بعد بستن به میچ، نمی‌سوزونتم؟
قدرت جادو
جادوهای باستانی و سری از طرف معبد ممنوع شدن.
برای همین باید نقش جادوگر شیادو خیلی خوب بازی کنی.
ارسطاندر
چی حجالت‌آورتر از اینکه معبد به دست یه کلاهبردار...
و به جادوگر دوهزاری مسخره بشه؟
اگه گیر بیفتی، من ضمانتتو می‌کنم، پس لازم نیست نگران باشی.
...
باشه.
ولی...
چرا انقدر زیاده‌روی می‌کنید؟
پوزخند
وقتی هدفت بهت نزدیک می‌شه، خودت می‌فهمی.
برگشتن

اولش بدم میومد
دستمو بزرم
واسه‌ی ۱۰ تا میان
وقت فهات از اینکه بلهمم
پیت به بوید. ایام نور به نور
شروع کردن به تکون خوردن.
و یادو رو برای کسایی که
ارزششو داشتن. انجام دادم.

در نتیجه اکثر مشهور شدم که
به منزل کمی شبه‌ونیمی
کیشور دعوت شدم.

علاوه بر اون به
لطف یانو، رستام و
بازوهام...
پر پریدگی شره.
سرقه
سرقه

تلق
تولوق

فقط باید این صفحه
رو حفظ کنم؟
آره. این اطلاعاتو
برای مراسم مخفی
بعدی لازم داری.

همممم...

همشو حفظ کردم.
بیا.
جلو گرفتن

فکر می‌کنم مارکوس
یه شبکه‌ی جاسوسی
جدا راه انداخته.

سرت به کار خودت باشه.

قلق
قبولی

فهمیدم. پرانتیو به من دار که فهرم بهش بدم تا حفظ کنه.
محکم گرفتن
نگهداشتن این اطلاعات برای اشراف قطرناکه.

رسته‌ی اول این اطلاعات شامل سوابقیه که میشه با تطبیق آدم‌هش گرد.
رسته‌ی دوم: اطلاعات استخراج شده از رسته‌ی اول.
ولی رسته‌ی سوم: خیلی شبیه پیشگوییه.

اعتماداً همون موقع که با عالیجناب ملاقات کرده...
شروع کرده به ساختن شبیه‌ی اطلاعاتی.

همچین شبیه‌ی اطلاعاتی‌ای که نمی‌تونه این جوم از اطلاعاتو جمع کنه...

ها؟

منم باید سرم به کار فوروم باشه.
تکون
تکون

اِم، رسیدیم خونه‌ی من.
داد زدن

زود برمی‌گردم.
ایستادن
باشه.

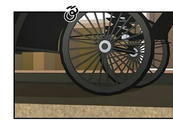
بق

غیرْ

آهسته

آهسته

برگردوندن

من برگشتم.

داشتم اینو میاوردم.
?

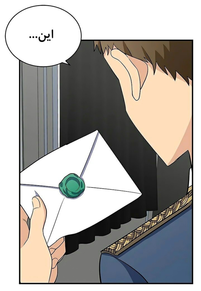
این...

مهر مارکتوس
رزالیا!

فقط دو نفر می‌تونن از این مهر استفاده کنن.
و مارشینس الان تو پایتخت نیست.

برگشتن
احتمالاً هدف نهایی مارشینس اینه.